

۱۴۲۰۰۱۲

پیشگیری از جرم

در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی

دکتر شهرداد دارابی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



سرشناسه : دارابی، شهرداد ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام‌پدیدآور : پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست
 جنایی / شهرداد دارابی
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص.
 فروست : علوم اجتماعی؛ ۹۸۴
 شابک : 978-964-511-783-0
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه
 موضوع : جرم و جنایت — پیشگیری Crime prevention
 موضوع : جرم‌شناسی — سیاست دولت
 موضوع : Criminology -- Government policy
 رده‌بندی کرده : HV ۷۴۳۱/۵۲ پ ۹
 رده‌بندی نوبت : ۳۶۴/۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۷۴۴۳

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، اسکن الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و مجازات قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۹۸۴
 نشر میزان
 پیشگیری از جرم
 در مدل مردم سالار سیاست جنایی
 دکتر شهرداد دارابی
 چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵
 قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان
 شمار: ۵۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۷۸۳-۰

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، رویروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخررازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰
 واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱
 وبسایت الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وبسایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

.....	سپاس نامه	۴
.....	درآمد	۱۱
.....	بحث اول - راهبرد پیشگیری به عنوان جانشین یا مکمل سرکوبی	۲۱
.....	فصل اول - جایگاه راهبرد پیشگیری در سیاست جنایی	۲۴
.....	مبحث اول: از پاسخ های کنشی تا انحراف های واکنشی در سیاست جنایی	۲۶
.....	گفتار اول: پیشگیری جرم شناختی	۲۸
.....	بند اول: حقوق پیشگیری	۳۰
.....	بند دوم: توسعه ی کنترل یا پیشگیری	۳۴
.....	الف: پیشگیری کرامت مدار	۳۶
.....	ب: لوازم پیشگیری کرامت مدار	۳۸
.....	گفتار دوم: ارکان سیاست جنایی	۴۰
.....	بند اول: ویژگی های مدل مردم سالار سیاست جنایی	۴۱
.....	بند دوم: پیشگیری در مقابل سرکوبی	۴۳
.....	گفتار سوم: جامعه ی امن؛ غایت پیشگیری جرم شناختی یا مستمسک دولت سزاگرا	۴۶
.....	بند اول: راهبرد پیشگیری در پرتو دستاوردهای جرم شناختی	۴۹
.....	بند دوم: اصول به زمامداری در سیاست جنایی مشارکتی	۵۳
.....	الف: پیشگیری از جرم در پرتو حکمرانی خوب	۵۷
.....	ب: الگوی کارآمد سازی سیاست های پیشگیری از جرم	۶۱

- ۱- برگزاری سمینارهای بین‌المللی جهت تعامل بیشتر..... ۶۱
- ۲- به‌کارگیری آموزه‌های نظری در عمل..... ۶۲
- ۳- همگرایی نهادهای دولتی در حوزه پیشگیری از جرم..... ۶۳
- ۴- تدابیر پیشگیری مشارکتی..... ۶۴
- ۵- مدیریت مطلوب سیاست‌های پیشگیری..... ۶۴
- ۶- توجیه منطقی طرح‌های پیشگیری از جرم..... ۶۵
- ۷- رعایت اصول پیشگیری از جرم..... ۶۵
- مبحث دوم: نقش حاکمیت سیاسی در تدوین سیاست‌های پیشگیری از جرم..... ۶۶
- گفتار اول: دولت مردم سالار..... ۶۹
- بند اول: لوازم دولت مردم سالار..... ۷۰
- الف: چشم‌اندازی کمیته‌ای..... ۷۱
- ب: تحدید مداخلات جامعه‌ای دولتی به نفع جامعه‌ی مدنی..... ۷۳
- بند دوم: حقوق شهروندی و پیشگیری..... ۷۵
- گفتار دوم: دولت اقتدارگرا، دولت اقتدارگرایی فراگیر..... ۷۷
- بند اول: دولت اقتدارگرا..... ۷۸
- بند دوم: دولت اقتدارگرایی فراگیر..... ۸۰
- الف: انحصاری بودن قدرت در نظام‌های اقتدارگرایی فراگیر..... ۸۴
- ب: قیّم مآبی در نظام‌های اقتدارگرایی فراگیر..... ۸۶

فصل دوم - تأثیر بافت سیاسی حاکمیت بر راهبرد پیشگیری در مدل مردم سالار سیاست

- جنایی..... ۹۰
- مبحث اول: آرایش احزاب سیاسی و پیشگیری از جرم..... ۹۲
- گفتار اول: مدل محافظه‌کار پیشگیری از جرم..... ۹۵
- گفتار دوم: مدل مردم سالار پیشگیری از جرم..... ۹۶
- گفتار سوم: مدل رادیکال پیشگیری از جرم..... ۹۸
- مبحث دوم: آزادی‌مداری، مبنای پیشگیرانه‌ی مدل مردم سالار سیاست جنایی..... ۱۰۲
- گفتار اول: تفوق پیشگیری اجتماعی..... ۱۰۳

- گفتار دوم: مفهوم مجرمیت در نظام‌های مردم‌سالار..... ۱۰۵
- گفتار سوم: الزامات پیشگیری در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی..... ۱۰۶
- بند اول: پیشگیری عادلانه از جرم..... ۱۰۸
- بند دوم: اولویت کنش بر واکنش..... ۱۰۹
- بند سوم: مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد..... ۱۱۱
- بند چهارم: ایجاد کمیته‌ای محدودیت در چارچوب پیشگیری از جرم..... ۱۱۳
- مبحث سوم: گونه‌های پیشگیری مدل مردم‌سالار سیاست جنایی..... ۱۱۴
- گفتار اول: پیشگیری اجتماعی از جرم..... ۱۱۷
- بند اول: حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان..... ۱۱۸
- بند دوم: حق اشتغال..... ۱۲۰
- بند سوم: حق برخورداری از تأمین اجتماعی..... ۱۲۱
- بند چهارم: حق برخورداری از شخصیت و جامعه‌پذیری..... ۱۲۲
- گفتار دوم: پیشگیری رشد مدار..... ۱۲۴
- بند اول: شناسایی کودکان در معرض خطر..... ۱۲۵
- بند دوم: اصلاح خصوصیات شخصیتی و تربیت مهارت‌های اجتماعی..... ۱۲۷
- بند سوم: حمایت خانواده، مدرسه و نظام آموزش و پرورش..... ۱۲۸
- گفتار سوم: پیشگیری موقعیت مدار..... ۱۳۰
- بند اول: پیشگیری وضعی..... ۱۳۱
- بند دوم: پیشگیری وضعی فنی..... ۱۳۳
- بند سوم: پیشگیری وضعی فن‌آورانه..... ۱۳۴
- بند چهارم: گونه‌ی ترکیبی پیشگیری از جرم..... ۱۳۶
- جمع‌بندی مطالب بخش اول..... ۱۴۲

بخش دوم - تحولات راهبرد پیشگیری در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی ۱۴۵

فصل اول - از سیاست جنایی دموکراتیک تا سیاست جنایی اقتدارگرا در راهبرد

پیشگیری دولت مردم‌سالار ۱۴۷

مبحث اول: بازتعریف جرم و ناامنی در بستر پیشگیری از جرم ۱۴۹

گفتار اول: پیدایش جرائم تروریستی و سازمان‌یافته ۱۵۱

بند اول: کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی در رویارویی با جرائم

تروریستی و سازمان‌یافته ۱۵۲

بند دوم: افزایش ترس از جرم در جوامع مردم‌سالار ۱۵۴

الف: نقش رسانه بر تشدید احساس ناامنی ۱۵۶

ب: نقش رسانه در تغییر گونه‌های پیشگیری از جرم ۱۵۸

گفتار دوم: راهبرد سیاست‌گذاری ۱۶۰

بند اول: تفوق پیشگیری موقعیت‌مدار ۱۶۲

الف: مدیریت ریسک ۱۶۴

ب: تجلی بزه دیده محوری در گونه‌های پیشگیری از جرم ۱۶۶

بند دوم: راهبردهای انقطاعی و انقطاعی-مدل مردم‌سالار سیاست جنایی در

پیشگیری از جرم ۱۶۸

الف: جوامع مردم‌سالار در سیطره‌ی قدرت‌های نوین ۱۷۱

ب: بهره‌برداری سیاسی از مقوله‌ی پیشگیری از جرم در مبارزات انتخاباتی

جوامع مردم‌سالار ۱۷۳

مبحث دوم: جابجایی گونه‌های پیشگیری از جرم ۱۷۷

گفتار اول: نتیجه محوری، راهبرد دولتمردان در پیشگیری از جرم ۱۷۹

بند اول: آسانی تغییر موقعیت ارتکاب جرم در مقایسه با اصلاح شخصیت

بزهکار ۱۸۱

بند دوم: بحران اقتصادی و پیشگیری ۱۸۴

بند سوم: ریزومیک شدن جرم ۱۸۶

فهرست مطالب □ ۹

گفتار دوم: تقابل گونه موقعیت مدار پیشگیری با حریم خصوصی شهروندان..... ۱۸۹

فصل دوم - ابقاء پیشگیری حقوق بشر مدار از جرم در جوامع مردم سالار..... ۱۹۵

مبحث اول: التزام دولت‌ها به پیشگیری کرامت مدار از جرم..... ۱۹۸

گفتار اول: اسناد بین‌المللی الزام‌آور..... ۲۰۱

۱- اعلامیه..... ۲۰۲

۲- معاهده..... ۲۰۳

بند اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر..... ۲۰۵

بند دوم: متاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی..... ۲۰۹

گفتار دوم: اسناد بین‌المللی غیر الزام‌آور..... ۲۱۴

بند اول: قواعد بیجینگ (پکن)..... ۲۱۷

بند دوم: راهنمودهای سازمان ملل متحد..... ۲۱۹

مبحث دوم: تضمینات جوامع مردم سالار در راهبرد پیشگیری از جرم..... ۲۲۳

گفتار اول: تضمینات داخلی پیشگیری حقوق بشر مدار..... ۲۲۶

گفتار دوم: ساختار قضایی و راهبرد پیشگیری از جرم..... ۲۳۱

بند اول: دادرسی عادلانه، راهبرد تعدیل‌کننده پیشگیری‌های ریسک مدار... ۲۳۲

بند دوم: مراجع ناظر بر راهبرد پیشگیری از جرم..... ۲۳۴

جمع‌بندی مطالب بخش دوم..... ۲۳۶

نتیجه‌گیری..... ۲۳۸

فهرست منابع..... ۲۴۷

۱- منابع فارسی..... ۲۴۷

۲- منابع انگلیسی..... ۲۵۸

درآمد

پدیده‌ی جرم به‌انحاء مختلف همزاد و همراه بشر بوده است. این مهم به‌عنوان واقعیته‌ی تلخ همیشه سلامت و امنیت روانی جامعه را تهدید کرده است. به‌گونه‌ای که در کنار سایر مسائل اجتماعی، به‌عنوان یکی از عوامل گسترش احساس ناامنی، در میان مردم هر جامعه محسوب می‌شود. وقتی انسان‌ها ارتباطات اجتماعی جدیدی با یکدیگر پیدا می‌کنند، عموماً دولت‌ها بر آن می‌شوند که به تنسيق آنها بپردازند و برای حفظ حرمت قواعد جدیدی که وضع کرده‌اند و در جهت اعتبار بخشی به آنها، ضمن جرم انگاری به کیفرگذاری و به‌کار گرفتن ضمانت اجرا گذاری متوسل شوند. با این حال، واکنش آن‌ها باید به شکلی سازمان‌یافته و با توجه به اهداف خاصی ابراز شود.

این امر اگرچه از منظر برخی اندیشمندان حقوق کیفری همچون ژرمنی بن‌تام در قالب ارزش ظاهری و ارزش واقعی مجازات عینیت می‌یافت و ایشان ارزش ظاهری مجازات را واجد رنج احتمالی می‌دانست که حسد، توفیق کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم نقش بسته و آن را مرجح بر ارزش واقعی می‌دانست که در رنج اجرای کیفر بر مجرم پدیدار می‌شد، اما درواقع این تفکر واجد ضعف و پیشگیری عام بود که هدف اصلی اجرای کیفر و دلیل توجیه آن بر مبنای بازدارندگی به‌کار می‌رفته است. بدیهی است شدت پاسخ‌های کیفری، تشدید اقدامات پلیسی و تقویت بازداشتگاه‌های کیفری به‌تنهایی توان تعدیل این احساس را ندارد و نتیجه‌ی مصنوعی در کاهش بزهکاری نداشته است.

بر این اساس، شکوفایی علوم انسانی در دو سده‌ی قبل، شرایطی جدید را برای مطالعه‌ی ماهیت و علل ارتکاب بزه به‌صورت علمی فراهم ساخت، این علم با عنوان جرم‌شناسی معرفی و به‌تدریج نضج یافت و تا به امروز شاهد بالندگی و تحولات نظریه‌های متعدد و دستاوردهای مختلف بوده است. در مطالعات جرم‌شناختی، عناصر مختلفی همچون جرم، بزه‌کار، بزه دیده، عوامل پدیدآورنده‌ی جرم و... بررسی می‌شود. بدون تردید نهادهای کیفری همچون، فردی کردن مجازات‌ها، توسعه‌ی کیفیات

مخففه، اقدامات تأمینی و روش‌های جدید درمان و بازسازگاری بزهکاران ازجمله نمونه‌های تأثیرپذیری حقوق کیفری از آموزه‌های جرم‌شناسی است. نگرش جرم‌شناسان نسبت به مجرم را می‌توان از یک منظر کلی، در سه رویکرد اساسی متبلور دانست.

دسته‌ی نخست از جرم‌شناسان، بزهکار را عضوی از جامعه محسوب می‌کنند که در تقابل با هموعان خود نیست، بلکه مجموعه عوامل زیستی، روانی و اجتماعی موجب شده‌اند که وی به‌عنوان یک بیمار اجتماعی، دست به نقض هنجارهای اجتماعی ضمانت‌آرا دار بزند و بیش از هر چیز نیازمند حمایت، اصلاح و دوباره اجتماعی شدن است. بدین‌سان کیفر با هدف ارباب یا ناتوان‌سازی راه‌حل محسوب نمی‌شود.

گروه دوم، بزهکاران را افرادی منطقی پنداشته که ارتکاب جرم را محصول محاسبات متعارف انسان‌ها دانند و حتی تا آنجا پیش می‌روند که آن‌ها را انسان‌هایی خطرناک می‌پندارند. مهار آن‌ها را از طریق بالا بردن هزینه‌ی ارتکاب جرم نسبت به سود و یا لذت حاصله از آن لازم می‌دانند.

دسته‌ی سوم، نگاهی تلفیقی دارند که استدلال‌های معقول هر گروه را به نحو مقتضی می‌پذیرند و برای کنترل جرم در سطح قابل‌تحمل در جامعه تلاش می‌کنند.

در طول تاریخ، علاوه بر وقوع جرائم که معمولاً واکنش کیفری را به دنبال داشت و سعی در توان‌گیری خاص و بازدارندگی عام مرتکبان می‌شد، خطرات بالقوه‌ای که افراد جامعه و اموال ایشان را تهدید می‌کرد، موجب می‌شد تا اقدامات پیشگیرانه برای محافظت از جان، مال و حیثیت اشخاص اعمال شود. بر این اساس، یکی از آورده‌های جرم‌شناسی، تشجید اذهان به مقوله‌ی پیشگیری از جرم بوده است. این مهم که به تعبیر استاد گسین در قالب «جرم‌شناسی پیشگیری» تبلور یافت، متضمن درش‌ها و اقدامات غیر کیفری است که مهار بزهکاری و کاهش احتمال ارتکاب جرم را دنبال می‌کند و با توجه به عدم کفایت مجازات و پیامدهای نسبتاً منفی واکنش‌های نظام عدالت کیفری، جنبه‌ی عینی و عملی ملموس‌تری به خود گرفت.

بدین‌سان، دولت‌ها نیز بر آن شدند تا ضمن مطالعه‌ی عوامل پدیدآورنده‌ی بزهکاری به شیوه‌های پیشگیری از جرم نیز دقت نظر داشته و قسمتی از توان خود را مصروف این حوزه نمایند. پیشرفت چشمگیر جرم‌شناسی پیشگیری منجر به شکل‌گیری

راهبرد صریحی در این عرصه شد که به موجب آن، از یک سو پیشگیری از جرم بهتر از مجازات است^۱ و از سوی دیگر، اختصاص بودجه‌ی خاص در این حوزه، نوعی سرمایه‌گذاری بهینه برای مهار بزهکاری محسوب می‌شود. این امر اگرچه با استقبال رو به تزایدی مواجه شده است، اما باید اذعان داشت که اتخاذ اقدام‌های پیشگیرانه توسط دولت‌ها به شیوه‌ی یکسانی صورت نمی‌پذیرد، زیرا مقام‌های تصمیم‌گیر سیاست‌جنایی در کشورها، در یک فضای سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک حاکم بر نظام اجتماعی - سیاسی، جامعه فعالیت می‌کنند؛ بنابراین هر یک از آن‌ها به‌عنوان یک شخصیت مستقل ممکن است توجه به یافته‌های علمی را بر نتابند و نتایج را نامعتبر تلقی کنند یا آن بخش از دستاوردها را که مغایر با مصالح سیاسی شان باشد، نپذیرند و باقی را مصادره به مطالب کنند.

بنابراین محورهای مهم دانه‌ی آزادی، برابری و قدرت سه شاخصه‌ی مهم هستند که مدل‌های سیاست جنایی را که به سبکی یکی از راهبردهای آن محسوب می‌شود، از هم تفکیک می‌نمایند. در مدل یا نظام‌های مردم‌سالار سیاست جنایی یعنی مدل دولت - جامعه‌ی لیبرال، ارزش غالب، آزادی است. نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی و مردم‌سالاری است، قدرت به‌طور دوره‌ای در گردش است و صاحبان و دارندگان آن نیز به‌طور ادواری، بر اساس رأی مردم جایجا می‌شوند. سیاست جنایی در چنین نظامی مبتنی بر اصل قانونمندی جرم و مجازات به معنای کلاسیک آن است. حقوق و آزادی‌های فرد مظنون، متهم، محکوم و بزه دیده در برابر مفهوم دادرسی عادلانه و رفتار منصفانه و کرامت مدار با بزه دیده رعایت می‌شود. حق در متفاوت بودن مردم، یعنی حق بر دگراندیشی، دگر زیستی و دگر بودن در چهارم اصل آزادی تضمین شده است. بدین‌سان مدل مردم‌سالار سیاست جنایی که مدل مختلط یا مدل دولت - جامعه‌ی لیبرال سیاست جنایی نیز نام دارد، میان بزه و انحراف تفکیک قائل می‌شود و دولت به آن دسته از انحراف‌ها یا رفتارهای اجتماعی هنجار گریزی پاسخ می‌دهد که جرم انگاری، تخلف انگاری و پاسخ‌گذاری شده باشند و جامعه‌ی مدنی به

1. prevention of crime better than punishment.

نوبه خود به انحراف یا رفتارهای هنجارگیز اجتماعی می‌پردازد که جرم‌انگاری نشده‌اند.^۱

در مقابل مدل‌های سیاست جنایی مختلط دولت - جامعه‌ی لیبرال، نظام‌های دولتی محض اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر قرار دارند که جامعه‌ی مدنی در مقابل فاصله گرفتن افراد از هنجارهای اجتماعی که انحراف تلقی می‌شوند، منفعل است. زیرا دولت به آن پاسخ می‌دهد. از این روی، همه‌ی متولیان سیاست جنایی تدابیر کنشی، یعنی پیشگیری را سرلوحه سیاست‌های خود قرار نمی‌دهند، بلکه شکل‌گیری راهبرد امنیتی و سخت‌گیرانه در برخی از کشورها موجب ابقاء یا احیاء رویکرد سرکوبگرانه می‌شود که اقدام‌های پیشگیرانه از جرم و تدابیر بازپرورانه مجرمان را به حاشیه می‌راند.

در پاره‌ی این کشورها، مانند کشورهای کمونیستی بلوک شرق سابق (آلمان شرقی، مجارستان، شوروی، چین و اجرای سیاست جنایی مانند سایر سیاست‌گذاری‌ها، بر اساس آموزه‌ها و اصول ایدئولوژیک حاکم بر نظام سیاسی آن‌ها صورت می‌گرفت، چنین سیاست جنایی را اصطلاحاً «سیاست جنایی ایدئولوژیک» می‌نامند. در کشورهای غربی مانند فرانسه و کانادا، سازمان‌دهی و برزّه بزه‌کاری از جمله پیشگیری از جرم، عمدتاً مبتنی بر نتایج پژوهش‌ها و داده‌های حاصل از مطالعات جرم‌شناختی درباره‌ی بزه و بزه‌کار است، چنین سیاست جنایی را اصطلاحاً «سیاست جنایی علمی» یا به عبارتی سیاست جنایی جرم‌شناختی» می‌نامند.

تعلیمات و داده‌های جرم‌شناسی که حاصل از مطالعات و پژوهش‌های علمی است به تصمیم‌گیران سیاست جنایی یک کشور اجازه می‌دهد تا آگاهی و اشراف نسبت به جنبه‌های مختلف پدیده اجتماعی موردنظر یعنی جرم، به برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری بپردازند. این سیاست جنایی بی‌تردید یک سیاست جنایی سنجیده، علمی، کارا و پویا خواهد بود.^۲ افزایش جمعیت کیفری و آمار رو به فزونی مجرمان در اکثر کشورها مبین این مهم است که ریشه‌ی بحران موجود، ناشی از توسعه‌ی سیاست کیفری ناکارآمد بوده است و دولت‌ها به واسطه‌ی ملاحظات و اقتضائات سیاسی و باهدف جلب افکار

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا، دیپاچه در: کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، ج ۴، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص ۴۵.

۲. اتف، رونالد، نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴ و ۱۳، ۱۳۷۲، ص ۵۷۰.

عمومی، کمتر از مطالعات و یافته‌های جرم‌شناختی بهره‌مند می‌شوند. شاید در هزاره‌ی سوم، با توجه به الزامات مادی و معنوی بین‌المللی از جمله الزام‌های حقوق بشری، طرح رویکرد سرکوبگر و سزاگرا^۱ شگرف می‌نماید، مع‌الوصف حقیقتی انکارناپذیر است که تحت لوای ازدیاد جرائم مستحذنه و یا نگرش سیاسی به مقوله‌ی بزهکاری، پاسخ‌گذاری از جمله کیفر گذاری و کیفر دهی در برخی جوامع دموکراتیک نیز ریشه دوانیده است.

صرف‌نظر از رویکرد کیفری صرف به مبارزه با بزهکاری که به‌عنوان عاملی بازدارنده در راستای پیشگیری از تکرار جرم^۲ به کار گرفته می‌شود، این نکته نیز حائز اهمیت است که صفت و ساق این شیوه، ظهور در اقدامات واکنشی و پساگیری^۳ دارد؛ اگرچه ممکن است به بار توده‌ی بالقوه‌ی مجرمان و انتباه شخص بزهکار بینجامد؛ اما آن قسم از پیشگیری که در حوزه‌ی جرم‌شناسی مدنظر است، پیشگیری کنشی است که بدون دست یازیدن به پاسخ‌های کیفری، در راستای پیشگیری از ارتکاب جرم و یا کاهش آن اتخاذ می‌شود. باید اذعان داشت که ظهور اندیشه‌های جرم‌شناسی علمی در اواخر سده‌ی نوزدهم موجب شد تا نگاه به مسائل حقوق کیفری، علاوه بر مطالعه‌ی سیر تکوین پدیده‌ی مجرمانه در عوامل زیستی - روانی - اجتماعی، بر تدابیر پیشگیرانه به‌طور ویژه نیز متمرکز شود. بدین‌سان رویکرد علت‌شناختی^۴ پدیده بزهکاری و استفاده از مدل بالینی در راستای شناخت عوامل جرم‌زا، از بین بردن آن‌ها و اصلاح مجرم، بر سایر دیدگاه‌ها برتری یافت.

بنابراین با قدرت گرفتن اندیشه‌ی اصلاح و درمان، اندیشه‌های تلافی، سزا دهی و بازدارندگی به دلیل ناعادلانه و ناکارآمد بودن به حاشیه رفتند و انتقادات همچون عدم در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی مجرمان، غیرانسانی بودن بعضی مجازات‌ها و نادیده گرفتن نقش بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفت؛ این مهم در حالی بود که زندان به‌عنوان کیفر اصلی و مجازات رایج در نظام عدالت کیفری، تبدیل به مدرسه‌ی بزهکاری شد و مشکلات بسیاری به بار آورد. آثار منفی مجازات حبس، افزایش هزینه‌های بسیار زیاد آن و تکرار جرم توسط محکومان آزادشده، موجب

1. Retributive

2. Recidivism

3. Post-vention

تصدیق این تصور شد که اقدامات تنبیهی و سزاگرایانه‌ی صرف، مفید فایده نیست. درواقع از این منظر مجرم خود قربانی محیط، خانواده و شرایط روانی است و جامعه که در رأس آن دولت قرار دارد از مجرم در مقابل جرم دفاع می‌کند. بدین ترتیب، کارکرد اجتماعی دولت‌ها نسبت به رویکرد امنیتی آن‌ها تغلیب یافت.

با تلاش متفکران صاحب‌نظر، این موضوع برای دولتمردان آشکار شد که گسترش قلمرو حقوق کیفری به‌تنهایی نمی‌تواند اشکال مختلف بزهکاری را مهار کند و برخورد با پدیده‌ی بزهکاری با سلاح کیفر، واکنشی موفقیت‌آمیز نیست. بدین‌سان، ضرورت پاسخ‌های پیشگیرانه یا کنشی و اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه بیش‌ازپیش احساس شد؛ بدین ترتیب، متولیان سیاست جنایی که به‌طور مستقیم دستگاه قضایی و انتظامی می‌باشند، دریافته‌اند که علاوه بر نرخ بالای جرم هزینه‌های زیادی برای مقابله با جرائم پرداخت می‌شود. این هزینه‌ها در درازمدت بسیار بیشتر از هزینه‌هایی است که صرف پیشگیری از جرائم می‌شود. نکته آن است که مطالعات مربوط به پیشگیری صرفاً معطوف به جرم نیست و اثرات و عنوان اماره‌ای که می‌تواند منجر به ارتکاب جرم در آینده شود، در حوزه‌ی مطالعات و طراحی تدابیر پیشگیرانه دولت‌ها قرار گرفت. این امر در نظریه‌پردازی‌های متعددی در حوزه‌ی جرم‌شناسی پیشگیری تبلور یافت و مطالعه و علت‌شناسی ارتکاب رفتارهایی که عین فاصله گرفتن از هنجارهای اجتماعی، فاقد پاسخ دولتی هستند در کنار جرایم، به‌کار آمد. این توجه جرم‌شناسان و متولیان سیاست جنایی تبدیل شد.

به‌طورقطع راهبرد دولت‌ها نسبت به طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و سیاست‌های کنترل جرم یکسان نیست؛ نوع نگاه هیئت حاکمه و بافت سیاسی-شکلی دهنده‌ی جوامع، متضمن شیوه‌ها و گونه‌های گوناگون پیشگیری از جرم، اعم از کنشی یا واکنشی است. اگر سیاست جنایی دولت‌ها را مجموعه شیوه‌هایی که هیأت اجتماع یعنی دولت و جامعه‌ی مدنی با توسل به آن‌ها پاسخ‌های پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد، بدانیم، روشن است هدف همیشگی سیاست جنایی، ابتدا تضمین انسجام و ادامه‌ی حیات هیئت اجتماع با پاسخ به نیاز مردم و تأمین امنیت جان، مال و حیثیت آنان است؛ اما دقیقاً در دنیای مدرن، انتخاب‌های سیاست جنایی - چه در مورد تعیین محدوده‌ی پدیده‌ی مجرمانه و چه در مورد تعیین پاسخ‌های آن - برحسب این که نیاز به

امنیت با توجه به کدام ارزش اساسی برآورد، احساس و درک شود، به طور متفاوتی جهت گیری می شود.

جامعه دموکراتیک، جامعه ای است که در آن هیچ کس واجد حق پیشین یا حق ثابت برای حکمرانی نیست، چندان که مشروعیت حکومت و حکمرانان تنها به رضایت و آراء شهروندان متکی است، آن چنان که مردم می توانند از طریق انتخابات آزاد نسبت به گزینش مراجع قدرت اقدام نمایند. در مدل مردم سالار سیاست جنایی، باور به این اندیشه که آزادی یک حق طبیعی انکارناپذیر برای افراد جامعه است و فعالیت های دولت محدود به حفظ و رعایت حقوق افراد در کنار اصل حاکمیت قانون و اعتقاد به برابری است، ارزش برآیدینه شده محسوب می شود که وجه تمایز دولت های مردم سالار با سایر دولت ها است؛ البته در جوامع مردم سالار، آزادی بی حد و حصر به صورت ارزشی نامحدود درنیامده که منجر به آزادی برای آسیب رساندن به دیگران شود.

در کشورهای دارای مدل مردم سالار سیاست جنایی که راهبرد آزادی مداری شاخص غالب آن است، اصل قانونمندی ضامن تأمین امنیت شهروندان است و آزادی به عنوان ارزش مرجع با دو تضمین هم امتداد است. از یک سو، با تفکیک بین بزه و انحراف سبب می شود فشار هیأت اجتماع بر فرد بایبوسته باشد، یعنی جامعه که متضمن خانواده، مدرسه، محیط کاری و اجتماعی فرد است، با اتخاذ پاسخ هایی که مذمت رفتار انحرافی را در بر دارد، شخص را متوجه عدول از هنجارهای اجتماعی کند و از سوی دیگر، با محدود کردن قلمرو مداخله دولت نسبت به بزه سبب محدود شدن فشار و اجبار دولتی فقط به بزه گردد؛ بدین ترتیب، ضمن تفکیک مرز بزه و انحراف، دولت جهت گیری و کنترل تمامی پاسخ های پیشگیرانه و سرکوب گرانه به پایگاه مجرمانه (بزه و انحراف) را به عهده نمی گیرد، بلکه بخشی از آن یعنی پاسخ به انحراف را به جامعه مدنی واگذار می کند. لذا در این مدل متولی جرم انگاری و پاسخ گذاری به جرم دولت است و دولت انحصار تأمین امنیت جامعه را بر عهده دارد، اما از آنجا که آزادی در مدل دموکراتیک سیاست جنایی غالب است، در مواردی تأمین امنیت با مشارکت جامعه و سازمان های مردم نهاد صورت می گیرد، امری که بدون تغییر ماهیت عمومی و دولتی سیاست جنایی رقم می خورد. در نتیجه سیاست جنایی دولت های مردم سالار بیشتر تحت تأثیر دستاوردها و یافته های تحقیقات جرم شناسی، طراحی، تدوین، اجرا، ارزیابی،

اصلاح و متحول می‌شود، درحالی‌که سیاست جنایی نظام‌های سیاسی که ماهیت ایدئولوژیک آن‌ها جرم‌اندیشانه است، بیشتر جلوه‌ای از بازخورد و نگرش حاکم بر آن است و اعمال قدرت را هرچند به قیمت تحدید حقوق بنیادین افراد، در اولویت قرار می‌دهند.

یکی از فصل‌ها یا راهبردهای سیاست جنایی، همان‌طور که اشاره شد، پیشگیری از جرم است که در این عرصه با جرم‌شناسی پیشگیری ارتباط نزدیکی دارد. در این راستا پیشگیری به معنای جلوگیری از تبدیل اندیشه‌ی مجرمانه به عمل یا دشوار کردن ارتکاب آن است، به نحوی که شهروندان بهتر حمایت شوند و دولت نیز کمتر در امر سرکوب و مجازات سرمایه‌گذاری کند. برای اعمال این اقدامات غیر قهرآمیز، رضایت ذی‌نفع الزمی است؛ زیرا برخلاف ضمانت اجرای کیفری که یک‌سویه اعمال می‌گردد و مجرم نمی‌تواند در و جالس آن دخالتی کند، در این نوع پیشگیری جنبه‌ی اقناعی مناط اعتبار است. در این میان سیاست‌های پیشگیری نیز از این مهم مستثنا نیست و از برخی محدودیت‌های حقوقی تبعیت می‌کند. و باآنکه هدف جرم‌شناسی پیشگیری امری مطلوب و عادلانه است، اما برنامه‌ریزی آن نیازمند به این مهم، هر وسیله‌ای توجیه نمی‌شود؛ اگرچه در نظام دموکراتیک ضمن محور قرار گرفتن آزادی، قدرت میان اشخاص و نهادهای برگزیده مردم توزیع شده و اساس نظام مبتنی بر مشارکت، نمایندگی و مردم‌سالاری است؛ اما باید این نکته را مدنظر داشت که در بادی نظر مقوله‌ی پیشگیری از جرم همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است.

رابطه‌ی تنگاتنگ پیشگیری از جرم با رعایت موازین حقوق بشری، تغییر دولت‌ها و یا نگرش برخی حاکمان مدل مردم‌سالار سیاست جنایی مبنی بر محافظ داشتن اقدامات پیشگیرانه‌ای که موجب تحدید حوزه‌ی آزادی‌های اشخاص و کمرنگ شدن تضمین‌های حقوق بشری می‌شود، مسئله‌ای اساسی است که در کنار دستاوردهای علمی و جرم‌شناختی موجب اهمیت بررسی و تحلیل این امر خواهد بود. بدون تردید، دستیابی به راهکارهای مؤثر جهت برون‌رفت از چالش‌های نظری و عملی موجود و بعضاً حل و رفع تعارض‌ها در عرصه حاکمیتی و مبارزه با بزهکاری در قالب پیشگیری از جرم صرفاً از طریق اهتمام جدی به پژوهش در این حوزه صورت خواهد گرفت.